



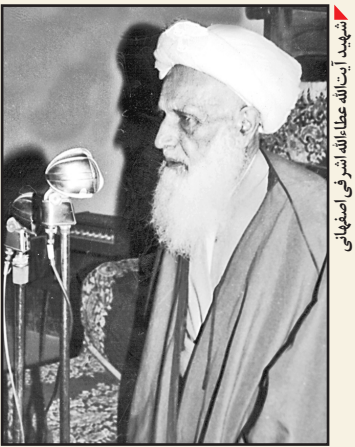
در **تکریم سی و نهمین سالروز شهادت آیت‌الله عطاء‌الله اشرفی اصفهانی**

کسوت شهادت بر قامت زاهد مبارز

■ **شاهد توحیدی**

شهید آیت‌الله حاج شیخ عطاءالله اشرفی اصفهانی، در سال ۱۲۸۱ه‍.ش در خانواده‌ای روحانی در خمینی‌شهر اصفهان دیده به جهان گشود. پدر ایشان حجت‌الاسلام میرزا اسدالله اشرفی و جد اعلای ایشان حجت‌الاسلام میرزا محمدجعفر از علمای بزرگ جبل عامل بود. ایشان تنها فرزند ذ‌ک‌ور باقی‌مانده از پدر بود. شهید اشرفی اصفهانی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند و در ۱۲سالگی، برای ادامه تحصیل به مدرسه نوریه اصفهان رفت و مدت ۱۰سال، در محضر اساتیدی چون: آیت‌الله سیدمهدی درچه‌ای، آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی، آیت‌الله سید محمد فشارکی و آیت‌الله سیدحسن مدرس تلمذ کرد. دوران طلبگی ایشان در تنگدستی غریبی سپری شد، آن‌گونه که هر هفته ناچار بود، فاصله ۱۲کیلومتری اصفهان خمینی شهر را پیاده طی کند و در طول هفته نیز با قوت لایمونی بسازد. در سال ۱۳۰۲ه‍.ش و در سن ۲۲سالگی، برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفت و ۲۳سال در آنجا به تدریس و تدریس مشغول شد و از محضر اساتید بزرگی چون: آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید مصدق‌تقی خوانساری بهره‌ها بر گرفت و در ۴۰سالگی، از ایشان اجازه اجتهاد و در زمره اساتید و علمای برجسته قم قرار گرفت. آیت‌الله اشرفی در سال ۱۳۳۵ ه‍.ش، به دستور آیت‌الله بروجردی و برای تبلیغ و نشر معارف دینی به کرمانشاه هجرت کرد و در آنجا رحل اقامت افکند و به تربیت طلاب دینی پرداخت.

هم‌زمان با اوج‌گیری انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، شهید اشرفی نیز در کرمانشاه حرکت‌های وسیعی را آغاز کرد. اوج این فعالیت‌ها، برگزاری مجلسن تحریک‌شهادت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی بود که به دعوت ایشان در مسجد آیت‌الله بروجردی منعقد شد و سخنرانی‌های انقلابی و پرهیجانی ایراد شدند. ساواک برای دستگیری سخنرانان و برهم زدن مراسم تلاش زیادی کرد، اما همدلی مردم و هوشمندی شهید آیت‌الله اشرفی، تلاش ساواک را

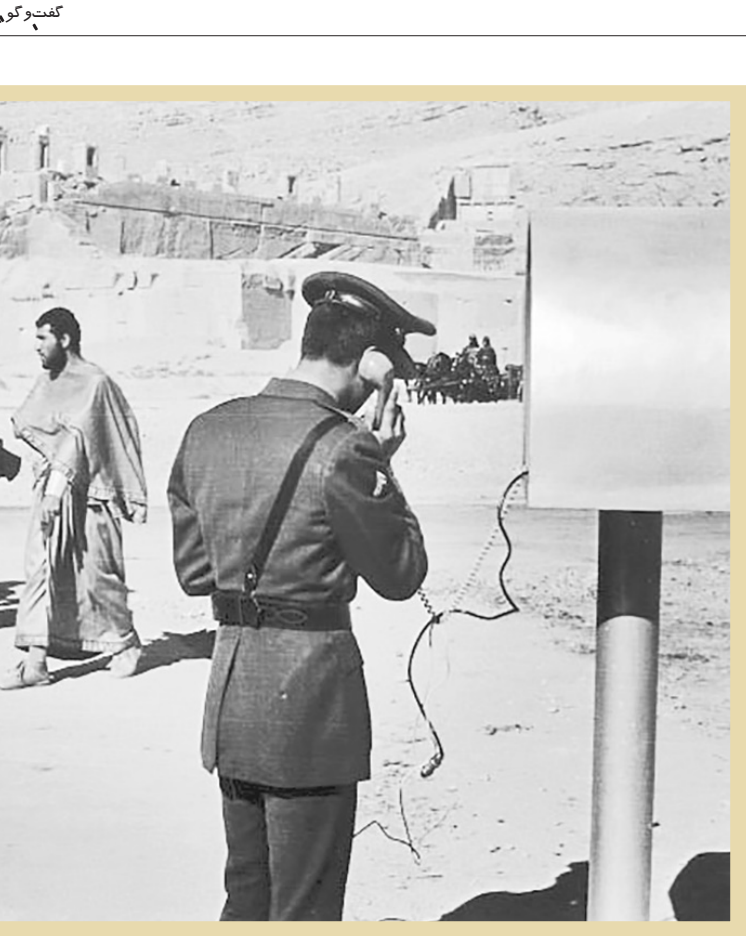


شهید آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی

به شکست کشاند. آن بزرگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تمام توش و توان خویش را در خدمت انقلاب قرار داد و با ایراد خطبه‌های نماز جمعه، صاحب‌هما پیام‌های داهیانه و مؤثرش، به یکی از ارکان تقویت پایه‌های نظام اسلامی تبدیل شد. با آغاز جنگ تحمیلی، شهید آیت‌الله اشرفی در سیخ همه‌جانبه مردم و پشتیبانی از جبهه‌ها، سعی بلیغ کرد و در مدت ۲۵ ماهی که حیات پربارش ادامه داشت، با حضور در جبهه‌ها، دلجویی از رزمندگان، سخنرانی برای آنها و پشتیبانی مادی و معنوی از ایشان، به حمایت از رزمندگان پرداخت. او به‌رغم کمپولت‌سن، مسافت‌های طولانی و مصاب‌العور و با وسایل نقلیه نظامی طی می‌کرد و بارها در جبهه‌های ایلام، قصر آبادان، شوشهر و سومار، حضور پیدا کرد و با سخنران دلنشین و حسیانه دشمن وارد شهر شد و از تقویت کرد هنگامی که کهرشیرین از وجود دشمن یعنی پاک شد، به آنجا سفر کرد و در مسجد شهر، دور کعت نماز شکر به جای آورد. همچنین پس از آزادی بستان، شکر به زبان می‌آورد. دشمن واد شهر شد و از آنجا زیر بمباران وحشیانه دشمن وارد شهر شد و از آنجا به آبادان رفت. در هنگام شروع عملیات فتح‌المبین در دوم فروردین ۱۳۶۱ نیز در قرارگاه حضور یافت و پیشنهاده داد تا عملیات به نام حضرت زهر(س) نامگذاری شود. شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی پس از ۸۰سال خدمت به دین و مردم، در ساعت ۱۲:۱۵ ظهر ۲۳مهرماه ۱۳۶۱، در نماز جمعه کرمانشاه، به دل‌دست منافیقن به شهادت رسید. خدمات آن شهید فراواند که برخی از آنها عبارتند:

– تأسیس حوزه علمیه امام خمینی در باخران (کرمانشاه)
– بازسازی مدرسه آیت‌الله بروجردی
– توسعه کتابخانه مدرسه آیت‌الله بروجردی
– تأسیس حوزه علمیه زنان
– برگزاری سمینارهای متعدد در شهرهای مختلف استان با حضور روحانیت شیعه و سنی در جهت تقویت وحدت بین‌اهل تشیع و تسنن که آثار با برکت فراوانی داشت.

– بازسازی مسجد جامع کرمانشاه به منظور برگزاری نماز جمعه.



خوانشی از اهداف و چند و چون جشن‌های موسوم به ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی

نمایش عظمت تاریخی ایران بالوازم تمام فرانسوی!

■ **سمانه صادقی**

روزه‌هایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز برگزاری جشن‌های موسوم به ۲هزار و ۵۰۰ساله شاهنشاهی است. هم از این روی و در باز خوانی اهداف و چند و چون این رویداد، مقال ذیل به نگارش در آمده است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید. ■ ■ ■

■ **کوروش آهسته بخواب که ما وابسته‌ایم!**

در بیستم مهرماه ۱۳۵۰، محمدرضا پهلوی در برابر مقبره کوروش هخامنشی در پاسارگاد قرار گرفت و با قرائت خطابه معروف: «کوروش! شاه‌شاهان، آسوده بخواب که ما بیداریم…». مجموعه جشن‌های ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی را آغاز کرد. این جشن‌ها که با هدف بزرگداشت ۲۵قرن حکومت پادشاهی باخترک ترتیب یافته بود، دیکته عوامفریبانه اربابان غریب، برای واجهت بخشیدن به یهودیان صهیونیست در جهان بود. به ادعای اکثر کارشناسان و رسانه‌ها «جری دنیا و حتی حامیان محمدرضا پهلوی، این مراسم بیش از ۲۰۰میلیون دلار هزینه در برداشته بود. این مبلغ برای کشوری که درآمد سرانه آن اگرچه رو به فزونی بود، ولی از سالی ۵۰۰دلار تجاوز نمی‌کرد و بیسار گزاف به شمار می‌رفت! علاوه براینکه متجاوز از نیمی از جمعیت کشور در روستاها و حومه شهرهای بزرگ، در فقر و فلاکت زندگی می‌کردند. اما هدف اصلی شاه از برپایی این جشن، بزرگ جلوه دادن عظمت دستگاه شاهی و بیش از آن شخص خودش بود. محمدرضا پهلوی با خرج میلیون‌ها دلار پول و تهیه کردن هدایای گران قیمت از جیب ملت ایران، قصد داشت چهره ضعیف خود را در میان سران قدرتمند دنیا پنهان سازد! اما چون همه چیز این جشن، مصنوعی و ظاهرسازی بود، سمسلی برای نفرت مردم ایران از او شد! در این باره، ویلیام شوکراس در بخشی از کتاب «آخرین سفر شاه» می‌نویسد:

«در اکتبر ۱۹۷۱، محمدرضا پهلوی ضیافتی ترتیب داد که از همه مهمانی‌ها برتر بود. او از تمام رهبران جهان دعوت کرد. البته همه نیاآمدند و بسیاری از کسانی که شرکت کردند، بیشتر نمایه‌ای قدرت بودند تا واقعیت آن ضیافت در خرابه‌های تخت جمشید بر گزار شد که ساخته اروپوش و سوخته اسکندر کبیر است. قرار بر این بود که این جشن نشانه دوهزار و پانصدمین سالگرد شاهنشاهی ایران باشد که در قرن ششم پیش از میلاد، به دست کوروش کبیر تأسیس شده بود. با گذشت زمان می توان گفت که جشن مزبور نشانه آغاز پایان کار



می توان گفت که این جشن برای مقامات

دنیا بود، نه مردم ایران! با این حال بسیاری از مقامات کشورها، دعوت شاه ایران را نپذیرفتند و در این جشن شرکت نکردند!
حتی بزرگ‌ترین حامیان جشن، یعنی ملکه انگلستان و نیکسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا نیز دعوت محمدرضا پهلوی را نپذیرفتند! به جای ملکه انگلستان، شوهرش پرنس فیلیپ و دخترش پرنسس آن و به جای رئیس‌جمهور آمریکا، اسپیرو آگنیو معاونش به ایران سفر کردند!

عاریخ

کفت وگرم ۸۸۴۹۸۴۲۷



خوانشی از اهداف و چند و چون جشن‌های موسوم به ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی

نمایش عظمت تاریخی ایران بالوازم تمام فرانسوی!

دودمان پهلوی بود که در دست ۵سال پیش از آن تاریخ، پدرشاه تأسیس کرده بود…»

■ **انگیزه اصلی برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ساله**
به‌رغم تبلیغات‌اهدایی پهلوی مبنی بر بزرگداشت ۲۵۰۰سال پادشاهی در کشور ایران، این جشن‌ها صرفاً با هدف تک‌دولت‌خاطره تصرف‌بابل به‌دست کوروش هخامنشی و آزادسازی دروغین یهودیان در سال ۵۳۹پیش از میلاد برگزار شده بود! آن‌گونه که بعدها مشخص شد، محافل یهودی صهیونیستی در مردامه‌ماه سال ۱۳۴۰(۱۹۶۱م)، از تجمیع سال۵۳۹قبل از میلاد باسال ۱۹۶۱م جشن ۲۵۰۰ساله آزادی یهودرا در اسرائیل برپا کردند. سومین انگره یهود نیز در همین سال با شرکت تاریخ‌نویسان معاصر، به سیاست‌سازی از کوروش هخامنشی اختصاص یافت و آهنگسازان اسرائیلی نیز آهنگی برای کوروش ساختند. هر چند که بعدها این آهنگ در جشن‌های شاهنشاهی ایران نیز مورد استفاده قرار گرفت. در چنین شرایطی شجاع‌الدین شفا به عنوان مشاور فرهنگی دربار به محمدرضا پهلوی پیشنهاد داد:«به جای آنکه بگذاریم اسرائیلی‌ها این بزرگداشت را منحصر به آزادی یهودیان از بابل نمایند، چرا تأکید را بر ارزش‌های والای کورش کبیر قرار ندهیم و به سلطنت رسیدن او را به عنوان یکی از زمان‌های پر عظمت عهد عتیق جلوه ندهیم، تا به این ترتیب نشان دهیم که سلطنت در ایران منشأیی اصلی و تاریخی دارد…» شاه از این پیشنهاد استقبال می‌کند، اما به دلیل وضعیت بد اقتصادی دولت، اجرای آن چند سالی به تعویق می‌افتد. در واقع از آنجا که قدرت سیاسی صهیونیست‌ها در دوران پهلوی افزایش یافته بود، پیشنهاد برگزاری مراسم باشکوهی جهت یادبود رهایی ملت یهود از اسارت، به محمدرضا پهلوی داده می‌شود. لذا در سال ۱۳۵۰ پس از افزایش چهار برابری قیمت نفت و رسیدن عایدات نفتی از ۴میلیارد دلار به ۲۰میلیارد، بهترین فرصت برای برپایی این جشن فراهم می‌آید. در واقع محافل یهودی صهیونیستی با برگزاری جشن‌های مزبور و تغییر تاریخ و تقویم هجری شمسی ایران به تاریخ جعلی شاهنشاهی کوروش کبیر، سعی در تعقیب مقاصد خود داشتند. اما امام خمینی(ره) در افضشای ماهیت اهداف برگزار کنندگان این جشن، خطاب به مردم ایران گفتند:«به طوری که خبر شدم و نوشتند به من، کارشناس‌های اسرائیلی مشغول به یادداشتن این جشن هستند و این تشریفات را آنها دارند درست می‌کنند. این اسرائیل دشمن با اسلام است و الان در حال جنگ با اسلام است. به این مالک‌اسلامی بگوئید که نروید به این جشنی که اسرائیل دارد بساط جشنش را به پا

می‌کنند یا درست می‌کنند. کارشناس‌های اسرائیل در اطراف شیراز دارند بساط جشن را درست می‌کنند. در این جشنی که کارشناس‌های اسرائیل دارند این عمل را می‌کنند، نروید…» البته اسرائیلی‌ها پس از برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ساله، باز هم پا بر گزاری مراسم‌های گوناگون، سعی در تحکیم پیوندهای مورد ادعای خود بین ایران باستان و قوم یهود داشتند. به طوری که سال ۱۳۵۴ در مراسمی با عنوان «شب ایران» در تل آو‌یو، یکی از سخنرانان این مراسم می‌گوید: «من شخصاً کوروش کبیر را اولین صهیونیست در تاریخ می‌دانم و اعلام‌یه کوروش، کمتر از اعلامیه بالفور نبوده است!» اسحاق رابین نیز در جمع یهودیان ایرانی‌الصل، پس از تشریح نقش ایران باستان در اشاعه تمدن و فرهنگ و اشاره به سهم والای کوروش هخامنشی در بازگرداندن یهودیان به فلسطین می‌گوید: «عقیده من لقب بنیانگذار اصلی صهیونیسم که به علت به هر تزل اطلاق می‌گردد، در حقیقت برانزده کوروش کبیر است…»

■ **پذیرایی فرانسوی، برای همایشی به اصطلاح ایرانی!**
با آنکه قرار بود این جشن، عظمت تاریخی ایران را در برابر جهانیان به نمایش بگذارد، اما همه لسوازم آن از پاریس سفارش داده شد! ابتدا تصمیم بر این بود که میهمانان در دو هتل در شیراز و تخت جمشید پذیرایی شوند، اما از آنجا که کار ساخت هتل، در رأس موعده مقرر به پایان نرسید، اردوگاهی از ۵۰۰خیمه در بیابان برپا کردند! با پیشنهاد اسدالله علم وزیر وقت دربار، مؤسسه فرانسوی ژانسن -که کارش ترتیبات داخلی کاخ‌های سلطنتی بود- طراحی دکور خانه‌های پیش‌ساخته‌ای را که روکنشی از جادر بلاستیکه داشتند، در این جشن برعهده می‌گیرد. البته به سبک کلاسیک پارسی امصالح ساخت شهرک جادری رانیز ۴۰ کامیون و یکصد هواپیما، از فرانسه به ایران انتقال دادند! برای پذیرایی از میهمانان در این سه بنسته شده مردمی هم که از سر کنجکاوی در مسیر به تخت جمشید آمده می‌شود! همچنین ۵۰ هزار پرند نیز از اروپا به محل جشن وارد شد که همگی به دلیل شرایط آب و هوایی، بعد از سه روز تلف شدند! از سوی دیگر در شرایطی که مردم در اکثر نقاط کشور از نبود برق رنج می‌برند، برای تأمین روشنایی این میهمانی شاهانه، از تهران و شیراز، ۶هزار مایل کابل کشی و ۲۰ مایل حلقه گل زمینه شامل ۱۳۰/۰۰۰ لامپ، چراغ مصرف شده بود! ۵۰ دستگاه تلفن رادیودار نیز برای جادر میهمانان خریداری می‌شود. هر چند که در پایان میهمانی، تنها



نمایش از پذیرایی از میهمانان خارجی در جشن‌های موسوم به ۲۵۰۰ساله



در موسم آن جشن، تمام راه‌های منتهی به تخت جمشید به روی مردم ایران بسته شد! مردمی هم که از سر کنجکاوی در مسیر برگزاری جشن حضور پیدا کرده بودند، به بهانه‌های مختلف از جمله اینکه احتمالاً می‌خواهند نظم جشن شاهنشاهی را به‌هم بزنند، دستگیر و زندانی شدند! حتی شاه برای اطمینان دادن به میهمانان درباره امنیت جانیشان، مرزهای کشور را هم بسته بود! تمامی دانشگاه‌ها نیز در این مدت تعطیل شدند، وضع تدابیر امنیتی بالا، زندان‌های کشور را مملو از زندانی کرده بود!

یک دستگاه تلفن در جادر باقی مانده بود! علاوه بر طراحی گیلان پایه‌دار کریستال مخصوصی توسط باکارا، رابرت هاوولیند نیز فنجان و نعلبکی‌هایی برای این میهمانی می‌سازد که فقط یکبار مورد مصرف میهمانان قرار می‌گرفت! تهیه رسمی‌های رسمی از جنس ابریشم مراسم و ملحفه‌های میهمانان را هم به پورتو که از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان ملحفه و روزمیزی در فرانسه بود، سفیرند. طراحی و دوخت اونیرفم‌های کارمندان دربار که در نیم‌تخت‌های آن بیش از یک کیلومتر و نیم ینخ طلا به کار رفته بود را هم لان ون تهیه کرد. ناگفته نماند که طراحی و دوخت اونیرفم‌های تاریخی ۶هزار سربازان ایرانی در روز رژه هم کار هنرمندان فرانسوی بود. آرایشگران تراز اول سالن‌های کلریتا و الکساندر پاریس نیز برای رفاه حال میهمانان به تخت جمشید فرخوانده شدند. الزیبات آردن هم کرم صورتی با نام فرخ تولید می‌کند که به میهمانان هدیه شود! ۲۵۰لیومتری ضد گلوله نیز برای حمل و نقل میهمانان از فرودگاه تا محل برگزاری جشن در نظر گرفته شده بود!

■ **کمبود نان در کشور و سفارش غذا از ماکسیما**

در شرایطی که طبق گفته‌های وزیر دربار پهلوی، مردم در پایتخت با کمبود توزیع نان مواجه بودند و از ۱۰۰۰روستا، تنها یک روستا آب‌لوله‌کشی‌اشد، و برای برپایی جشنی سه روزه، بیش از ۳۰۰میلیون دلار هزینه می‌شود! پهلوی برای پذیرایی از میهمانان خود در این جشن، ۲۵۹۶ تیشیز و پیشخدمت را همراه با ماکس باونه به عنوان سرآشپز از فرانسه به تهران فرما می‌خواند. رستوران ماکسیم پاریس با کمک چندین مؤسسه فرانسوی و سوئیتی، وظیفه تهیه غذا و ۲۵هزار بطری انواع شراب مخصوص در این جشن را برعهده داشتند. در شرایطی که مردم ایران نان و آب آشامیدنی برای خوردن نداشتند، ۸تن غذا شامل، تخم‌بلدرچین، آبپز، خوراک خرچنگ، کباب بره با قارچ، طاووس بریان آبیاشته شده از جگر غاز و ماکس تازمه محصول فرانسه با لعاب آبپز، در این جشن سرو می‌شود. ناگفته نماند با اینکه به گفته فرخ پهلوی قرار بود تاریخ ایران جشن گرفته شود، تیرا غذای ایرانی که به این مهمانی راه یافته و در برابر جهانیان قرار گرفت، هزار کیلو خواربار – نان فقط برای شب مهمانی بزرگ– بود. از سویی دیگر روزهای متمادی، یک هواپیما وظیفه حمل یک قالب یخ به ابعاد یک گاراز را به محل جشن(وسط بیابان برعهده داشتند! البته از این یخ، تنها برای سطل‌های یخ شراب سفید جشن، استفاده کردند! محمدرضا پهلوی برای نمایش نیک‌بختی‌اش، در میان بیابان‌های تخت جمشید، جزیره کوچکی ساخت که همه لوازمش اروپایی و ظاهر بسیار بود!

■ **نمایش نیک‌بختی، با رجاج به گذشته‌ای موهوم!**

در موسم آن جشن، همه جا حرف از تمدن بزرگ بود و قرار بود ایرانیان بابت آن به خود ببالند، اما نعمت راه‌های منتهی به تخت جمشید، به روی مردم ایران بسته شده! مردمی هم که از سر کنجکاوی در مسیر برگزاری جشن حضور پیدا کرده بودند، به بهانه‌های مختلف از جمله اینکه احتمالاً می‌خواهند نظم جشن شاهنشاهی را به‌هم بزنند، دستگیر و زندانی شدند! حتی شاه برای اطمینان دادن به میهمانان بودا تمامی دانشگاه‌ها نیز در این مدت تعطیل شدند. وضع تدابیر امنیتی بالا، زندان‌های کشور را مملو از زندانی کرده بود! وجود بیش از ۵هزار زندانی سیاسی باعث شده بود که جای کافی، برای خواب در زندان‌ها وجود نداشته باشد. از طرفی در حالی که میلیون‌ها دلار، صرف برپایی جشن و سرو جگر غاز و خواربار و گوشت بره در تخت جمشید می‌شد، هزاران ایرانی در اقصی نقاط کشور گرسنه بودند! حتی بعضی از دانش آموزان در روستاها، در ساعات زنگ تفریح جهت رفع گرسنگی، گیاه می‌خوردند! لذا امام خمینی(ره) طی بیانیهای جشن ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی را محکوم کرد و با اشاره به تظاهرات دانشجویان ایرانی و مضروب شدن آنها توسط پلیس فرمودند: «تنها گناه این دانشجویان، نشان دادن مخالفت با جشن‌های ۲۵۰۰ساله بود. ما به این جشن‌ها نیاژ نداریم، برای گرسنگان کاری نکنید. ما نمی‌خواهیم بر روی نعش ملت جشن برپا نکنند…» ایشان همچنین از مردم ایران خواستند تا علیه رژیم زنگ‌نگر پهلوی تظاهرات برپا کنند.

■ **غیبت حامیان اصلی شاه در جشن**

می‌توان گفت که این جشن برای مقامات دنیا بود، نه



مردم ایران با این حال بسیاری از مقامات کشورها، دعوت شاه ایران را نپذیرفتند و در این جشن شرکت نکردند! حتی بزرگ‌ترین حامیان شاه، یعنی ملکه انگلستان و نیکسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا نیز دعوت محمدرضا پهلوی را نپذیرفتند! این بدترین و بزرگ‌ترین دهن‌کجی به محمدرضا پهلوی بود! به جای ملکه انگلستان، شوهرش پرنس فیلیپ و دخترش پرنسس آن و به جای رئیس‌جمهوری آمریکا، اسپیرو آگنیو معاونش به ایران سفر کردند! علاوه بر آن در حالی که تمامی لوازم و غذاهای جشن از فرانسه تهیه شده بود، برزبندت ژرژ پمپیدو رئیس‌جمهور فرانسه، به بهانه اینکه شاه ایران نپذیرفته او بالا دست هایلِه سلاسی(امپراتور حبشه) و رؤسای کشورهای فرانسه‌زبان بنشینند، این دعوت را نپذیرفت! ژرژ پمپیدو، نخست‌وزیرش را به جای خود به این جشن فرستاد. پرنس برنهارد نیز به جای همسرش زولیانا ملکه هلند، در این مراسم شرکت کرد. دیگر مقامات مهم اروپایی نیز استقبال چندانی از این جشن به عمل نیاوردند، از جمله رئیس‌جمهور آلمان شرقی. تنها معدودی از سران کشورهای اروپایی همچون: مارشال تیتو رئیس‌جمهور یوگسلاوی در این جشن حضور یافتند. بیشتر میهمانان از کشورهای: موریتانی، ماهومی، کنگو، کشورهای عرب منطقه، لسوتو، سوازیلند… و شرکت کرده بودند. در مجموع یک امپراتور، ۸ پادشاه، ۳شاهزاده حاکم، ۲ ولیعهد، ۵ملکه، یک شاهدخت، ۱۵ رئیس‌جمهور، یک همسر رئیس‌جمهور، ۳۰معاون رئیس‌جمهوری، ۷ شیخ، ۵امیر، ۴نخست‌وزیر و ۲ فرماندار کل، همراه با انبوهی از وزیران خارجه و سفیران و دیگرک وستمن دربار پهلوی از ۶۹کشور جهان، به ایران آمدند و در تخت جمشید اقامت گزیدند. علاوه بر این میهمانان، دهها تن از شخصیت‌های علمی، هنری، صنعتی، فرهنگی و ۶۰۰فرزنامه‌نگار، عکاس و فیلمبردار از سراسر جهان، برای تهیه اخبار جشن به ایران سفر کردند. شبکه تلویزیونی «NBC» نیز مراسم جشن را با استفاده از ماهواره، برای دهها میلیون بیننده آمریکایی پخش کرد.

■ **دفاع از جشنی بی‌ثمر!**

جشن‌های ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی اما باز تاب‌های منفی هم به همراه داشت؛ چراکه عده‌ای از خبرنگاران کشورهای مهمان پس از پایان مراسم، به مناطق جنوبی پایتخت رفتند و از وضعیت نامطلوب مردم آن ناحیه، فیلم و عکس تهیه کردند و شاه ایران را مورد انتقاد قرار دادند! آنها هزینه‌های برگزاری جشن را منتقاص با وضعیت معیشتی مردم ایران و شاخص‌های اقتصادی کشور دانسته و معتقد بودند، ولخرجی‌های شاه، غیرضروری بوده است. برای مثال روزنامه «اسپوار» فرانسه با انتقاد از این جشن‌ها و هزینه‌های گزاف آن، معتقد بود: تخت دائم هزینه‌های بالایی صورت گرفته در این جشن‌ها، تأمین خشونت و سرخوردگی در میان مردم ایران افزایش پیدا کرده است. حتی جورج پال معاون وقت وزارت خارجه امریکا نیز جشن‌های ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی را مورد انتقاد قرار داده و گفته بود: «چه مناظر بوج و زنده‌ای فرزند یک سرهنگ و فوج قراق در کشوری که درآمد سرانه مردم آن ۲۵۰۰دلار در سال است، مانند یک امپراتور جشن برپا کرده و با ادعای فروروم و نوگرایی البسه و پوشاک دوران باستانی را به نمایش گذاشته است!…» روزنامه اشپیکل آلمان نیز با چاپ مقالات و عکس‌هایی از این جشن‌ها، آنها را بی‌انظام شاهنشاهی مضر معرفی کرد. خرید نگار واشنگتن بیست نیز پس از مشاهده این جشن‌ها تعریف و تمجید کندند. در واقع این تعریف و تمجید بسیار، به واسطه پرداخت مبلغ کلانی بود که حکومت پهلوی به آن نشریات پرداخته بود. برای مثال، مبلغ ۸۰هزار مارک از سوی دولت آلمان به همدلی «ولت» چاپ آلمان پرداخت شد که یک شماره مخصوص، هم‌زمان با جشن‌های ۲۵۰۰ساله منتشر نماید. ۴۰۰هزار نسخه از آن مجله را هم مؤسسه «آپی» به مبلغ ۳۷هزار مارک خریداری که به صورت رایگان در آلمان توزیع کرد! بعضی نویسندگان مانند سبوتنه و دانمارک نیز در هزینه‌های توزیع یونی خود برنام‌هایی با موضوع عظمت جشن ایران به نمایش گذاشتند. هر چند که در قسمتی از آن برنامه‌ها، وضع رقت‌انگیز مردم ایران را هم نشان دادند. مخصوصاً، هم‌زمان با جشن‌ها، خبرها در بلوچستان، نش‌خوار کودکان در میان خاک‌روبه‌ها و زندگی مردم در جنوب شهر تهران که همگی نشان‌دهنده ابعاد فقر و فلاکت مردم ایران بود.

با این همه محمدرضا پهلوی در نشست مطبوعاتی که با محوریت هزینه‌های این جشن برگزار شده بود و در پاسخ به خبرنگار روزنامه «لوموند» که به او گفته بود: «پاس‌خان به معترضانی که معتقدند، هر شرایطی که مردم ایران می‌مانند، نباید میلیون‌ها دلار برای این جشن هزینه شود، چیست؟» گفت: «شده؟ تنها پولی که صرف این جشن‌ها شده، برای دو ضیافت رسمی شام است که برای میهمانان ترتیب می‌دهیم. این کمتر نی کاری است که می‌توانیم برای چنین گردهمایی انجام دهیم…» در واقع محمدرضا پهلوی به جای پاسخگویی بابت ولخرجی‌های شاه، ژستنی حق به جانب به خود گرفت و آن هزینه‌ها را برای توسعه توریسم کشورش، ضروری دانست! در حالی که جهانیان، هیچ نشانی از فرهنگ و هنر و آداب و رسوم و غذای ایرانی را در جشن‌های ۲۵۰۰ساله‌ش مشاهده نکرده بودند!